بررسی نقش رسانه ها در جریان شکل گیری انقلاب اسلامی ایران

صدایی که در حنجره نماند


بازگشت پیروزمندانه حضرت آیت‌ا... العظمی خمینی را بعموم ملت ایران تبریک و تهنیت میگوئیم
امام خمینی به ایران بازگشت
آفتاب شرق
نمایش قدرت در تهران
پیام نخست وزیر به ملت ایران
تهیت
حضرت آیت‌ا... خمینی در میان استقبال باشکوه و کم‌نظیر میلیونها نفر وارد تهران شدند

گروه فرهنگ و ادبیات

با هوش مصنوعی

در انقلاب های سیاسی، رسانه ها نقشی بسیار مهم و چندوجهی ایفا می کنند. آن ها می توانند هم به عنوان کاتالیزور برای ایجاد انقلاب عمل کنند و هم نقش مهمی در شکل دادن به روند و نتیجه آن داشته باشند. این رسانه ها به طورکلی در دو دسته قرار می گیرند: رسانه های سنتی و رسانه های نوین. دسته نخست همچون رادیو و تلویزیون و روزنامه ها و مجلات، و دسته دوم همچون شبکه های اجتماعی و وبلاگ ها و پادکست ها. هریک از این رسانه ها مزایا و معایبی دارند و در مراحل مختلف هر انقلابی نقش های متفاوتی ایفا می کنند. مطلب پیش رو فراورده تلخیص و ویرایش ساختاری و محتوایی گفت‌وگویی مفصل در همین زمینه با ربات هوش مصنوعی گوگل است.

نقش رسانه ها در انقلاب های سیاسی

رسانه ها، در وهله اول، می توانند اطلاعات مربوط به نارضایتی ها، فساد، نقض حقوق بشر و دیگرمسائل اجتماعی و سیاسی را که مردم به آن ها اعتراض دارند منتشر کنند، می توانند آگاهی عمومی از مسائل مهم را افزایش دهند و به مردم کمک کنند تا درک بهتری از اوضاع خود و لزوم تغییر داشته باشند، می توانند با پخش اخبار مربوط به اعتراضات و تظاهرات به گسترش آن ها یاری برسانند و افراد بیشتری را برای شرکت در انقلاب بسیج کنند.

رسانه ها همچنین با توسل به احساسات مخاطبان خویش، می توانند با ایجاد حس هم بستگی و وحدت بین مردم، آن ها را به پیوستن به جنبش های اعتراضی ترغیب کنند، می توانند پیام ها و شعارهای انقلابی را به گوش مردم برسانند و به ایجاد انگیزه و امید برای تغییر یاری برسانند و با نمایش قدرت و اتحاد مردم به تضعیف روحیه حاکمان مستبد کمک کنند.

رسانه ها، در مقام ناظر، می توانند عملکرد دولت ها و نهادهای قدرت را زیر نظر بگیرند و از بروز فساد و سوءاستفاده از قدرت جلوگیری کنند، می توانند با انتشار گزارش ها و تحلیل های موثق به مردم یاری برسانند تا درک بهتری از سیاست ها و اقدامات دولت داشته باشند، می توانند نقش مهمی در ایجاد شفافیت در روند انقلاب و تضمین اینکه به خواسته های مردم توجه شود داشته باشند.

رسانه ها، همچون پیش قراول، می توانند با ارائه روایت های مختلف از انقلاب افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند، می توانند با ایجاد بحث و گفت وگو به شکل‌گیری اجماع در باب اهداف و آرمان های انقلاب کمک کنند، می توانند با برجسته کردن افراد کلیدی انقلاب به تقویت رهبری و هدایت جنبش یاری برسانند.

درنهایت، رسانه ها، به ویژه رسانه های اجتماعی، می توانند به عنوان ابزاری برای ارتباط بین فعالان و معترضان عمل کنند، می توانند به سازمان دهی و هماهنگی تظاهرات و اعتراضات یاری برسانند، می توانند به مردم کمک کنند تا اطلاعات لازم درباره نحوه رفتار در مواجهه با خشونت و سرکوب را به دست آورند.

به طور خلاصه، در انقلاب های سیاسی رسانه ها نقشی حیاتی دارند و می توانند به عنوان نیروی محرک برای ایجاد تغییرات دموکراتیک عمل کنند. با این حال، مهم است به یاد داشته باشیم که حاکمان نیز می توانند از رسانه ها برای تبلیغات و سرکوب انقلاب بهره بگیرند.

نقش رسانه ها در انقلاب اسلامی ایران

در انقلاب اسلامی ایران نیز رسانه ها نقشی بسیار مهم و چندوجهی ایفا کردند؛ اگرچه با توجه به اوضاع خاص آن زمان، نوع و میزان تأثیرگذاری رسانه ها متفاوت بود. در آن دوران، از بین رسانه های سنتی، رادیو یکی از رسانه های مهم بود. البته فقط رادیوهای خارجی نقش درخورتوجهی در اطلاع رسانی و پوشش اخبار انقلاب داشتند، اگرچه با موانعی روبه رو بودند. درمقابل، تلویزیون در آن زمان تحت کنترل شدید دولت بود و به عنوان ابزاری برای تبلیغات حکومتی استفاده می شد. به همین دلیل، نتوانست نقش چندانی در بسیج و سازمان دهی مردم ایفا کند. روزنامه ها نیز با سانسور شدید روبه رو بودند و نمی توانستند آزادانه به انتشار اخبار و نظرات بپردازند. درنتیجه، تأثیرگذاری آن ها درمقایسه با دیگررسانه ها کمتر بود.

درمقابل، رسانه های بدیل و زیرزمینی قرار داشتند. مثلا نوارکاست های سخنرانی های امام خمینی(ره) که به صورت غیرقانونی تکثیر و توزیع می شد، نقش بسیار مهمی در آگاهی بخشی و بسیج مردم داشت. این نوارها به عنوان رسانه ای بدیل به سرعت در سراسر کشور پخش شدند و پیام های انقلاب را به گوش مردم رساندند. اعلامیه ها و اطلاعیه های مذهبی که به صورت مخفیانه چاپ و پخش می شد نیز نقش مهمی در سازمان دهی و هماهنگی اعتراضات داشت. این اعلامیه ها معمولا شامل فراخوان های تظاهرات، اطلاعات مربوط به وقایع و دستورالعمل هایی برای مقابله با نیروهای امنیتی بود. درنهایت، منبرها و مساجد نیز به عنوان رسانه های غیررسمی نقش مهمی در بسیج مردم و آگاهی بخشی به آن ها داشتند. روحانیون ازطریق این تریبون ها پیام های انقلاب را به مردم انتقال می دادند و آن ها را به مبارزه علیه رژیم شاه ترغیب می کردند.

نقش رسانه های خارجی در پوشش وقایع انقلاب را نیز نمی شود نادیده گرفت. رادیوهای خارجی، مانند رادیو مونت‌کارلو، نقش مهمی در پوشش اخبار انقلاب ایران داشتند. این رسانه ها با ارائه گزارش های لحظه به لحظه، تحلیل ها و مصاحبه ها به اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به مردم ایران و جهان کمک می کردند. روزنامه ها و مجلات خارجی نیز با پوشش گسترده رویدادهای ایران افکار عمومی جهان را از انقلاب و وضعیت داخلی ایران آگاه می کردند.

این رسانه ها، درمجموع، بر افکار عمومی بسیار تأثیر گذاشتند. آن ها نقش مهمی در شکل دهی به روایت انقلاب و تبیین اهداف و آرمان های آن داشتند؛ به ویژه، سخنرانی های امام خمینی(ره) و پیام های ایشان که ازطریق رسانه های مختلف منتشر می شد، تأثیر عمیقی بر افکار عمومی داشت و به بسیج مردم کمک کرد. رسانه ها با پوشش گسترده اعتراضات و تظاهرات به ایجاد حس هم بستگی و وحدت بین مردم هم یاری رساندند. تصاویر و فیلم های مربوط به تظاهرات، مردم را به حضور در صحنه ترغیب می کرد و به تقویت روحیه انقلابی آن ها می انجامید. همچنین، رسانه ها با انتقاد از عملکرد رژیم شاه، انتشار گزارش های مربوط به فساد و سرکوب و نشان دادن نارضایتی گسترده مردم به تضعیف رژیم و مشروعیت آن کمک کردند.

وضع رسانه های داخلی ایران در جریان انقلاب

آنچه بایست به آن توجه کرد، اینکه محدودیت های شدید رسانه های داخلی در انقلاب اسلامی ایران بر نوع پیام هایی که منتقل می شد، نحوه انتقال آن ها و درنهایت بر روند انقلاب تأثیر عمیقی گذاشت. این محدودیت ها باعث شد که پیام ها به شکل خاصی فیلتر، تحریف یا حتی تقویت شوند.

رژیم شاه سانسور شدیدی بر رسانه های داخلی اعمال می کرد. این سانسور مانع انتشار اخبار و گزارش های مربوط به اعتراضات، نارضایتی های مردمی و فعالیت های مخالفان می شد. این امر باعث شد که مردم به رسانه های بدیل و خارجی روی بیاورند. اما دسترسی به رسانه های خارجی، مانند رادیوهای بین المللی، نیز محدود بود. رژیم تلاش می کرد با پارازیت انداختن بر امواج رادیویی، مانع رسیدن پیام های مخالفان به مردم شود. این محدودیت ها باعث شد که رسانه های بدیل اهمیت بیشتری پیدا کنند.

رژیم شاه همچنین از رسانه های تحت‌کنترلش برای انتشار تبلیغات و تحریف واقعیت ها استفاده می کرد. این رژیم سعی می کرد با ایجاد تصویری مثبت از خود و سرکوب مخالفان، انقلاب را بی اثر کنند. این تبلیغات باعث شد مردم به رسانه های رسمی اعتماد کمتری داشته باشند. رژیم گاه بر برخی مسائل بیش ازپیش تأکید می کرد. مثلا به دلیل نقش محوری روحانیون در انقلاب، پیام های انقلاب را اغلب با تأکید بر ارزش های مذهبی و اسلامی انتقال می داد تا بدین ترتیب انقلاب صرفا چهره ای مذهبی به خود بگیرد و نقش گروه های غیرمذهبی در آن کم رنگ شود.

درنهایت، محدودیت ها بر نوع پیام های رسانه های غیروابسته نیز تأثیر می گذاشتند. به دلیل محدودیت های رسانه ای و نبود امکان برای ارائه تحلیل های عمیق و پیچیده، پیام های انقلاب بیشتر بر احساسات و انگیزه های مردم تمرکز داشتند و شعارهای انقلابی، سخنرانی های انگیزشی و فراخوان ها برای حضور در تظاهرات بخش مهمی از پیام هایی بودند که منتقل می شدند. همچنین، بنابه لزوم بسیج توده ها، مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی ساده سازی می شدند. این امر باعث می شد مردم درک ساده تری از اهداف انقلاب و مشکلات موجود داشته باشند.

عملکرد رسانه های همسو با رژیم شاه

بااین تفاصیل، رسانه های طرف دار رژیم شاه نیز در آن دوره تأثیراتی داشتند؛ هرچند که این تأثیرات درمقایسه با رسانه های همراه با انقلابیون کمتر بود.

از این رسانه ها، رادیو و تلویزیون ملی ایران (به طور عمده، رادیو و تلویزیون دولتی) و روزنامه های رسمی ابزارهای اصلی تبلیغاتی رژیم شاه بودند. این رسانه ها به طور مداوم به تمجید از رژیم، دستاوردهای آن و شخصیت شاه می پرداختند. آن ها تلاش می کردند رژیم شاه را مشروع و محبوب بنمایانند و از طریق تبلیغات گسترده چهره ای مثبت از آن ارائه دهند. رسانه های دولتی اخبار و اطلاعات را به شدت سانسور می کردند و اغلب رویدادها را به شکلی تحریف شده و جانب دارانه نشر می دادند. آن ها به طور مستمر به ترویج پروپاگاندا می پرداختند و تلاش می کردند مخالفان رژیم را بدنام کنند و جنبش انقلابی را کم اهمیت جلوه دهند. رسانه های دولتی تلاش می کردند با ارائه تصویری آرام و باثبات از کشور، حس امنیت کاذب ایجاد کنند و نارضایتی های عمومی را کم اهمیت جلوه دهند.

رسانه های همسوی دیگری نیز بودند. برخی روزنامه های خصوصی در آن دوره از رژیم شاه حمایت می کردند. این روزنامه ها تلاش می کردند با ارائه دیدگاه های حامی رژیم، به مقابله با رسانه های انقلابی بپردازند. آن ها می کوشیدند دیدگاه های حامی رژیم را به مردم ارائه دهند و از طریق این دیدگاه ها مشروعیت آن را تأیید کنند. برخی مجلات و کتاب ها نیز حاوی مطالبی همدلانه بودند و تلاش می کردند فرهنگ و ایدئولوژی رژیم را ترویج کنند. بااین همه، رسانه های طرف دار پهلوی، باوجود تلاش های گسترده، نتوانستند تأثیر درخورتوجهی بر افکار عمومی داشته باشند و دربرابر قدرت رسانه های انقلابی و بدیل شکست خوردند. حتی می توان گفت رسانه های طرف دار شاه، خود با تشدید تنش ها و افزایش نارضایتی ها در جامعه به پیروزی مخالفان یاری رساندند.

چنان که آمد، رسانه های دولتی و طرف دار رژیم، به جای ارائه اخبار و اطلاعات دقیق، به تحریف و سانسور واقعیت ها می پرداختند. آن ها با پنهان کردن رویدادهای ناخوشایند، مثل تظاهرات و سرکوب ها، و بزرگ نمایی دستاوردهای پهلوی تلاش می کردند تصویری مطلوب از وضعیت کشور ارائه دهند. اما این تحریف و سانسور باعث بی اعتمادی بیشتر مردم به رسانه های رسمی شد. مردم احساس می کردند واقعیت از آن ها پنهان می شود و این امر خشم و نارضایتی آن ها را افزایش می داد. این بی اعتمادی به رسانه های رسمی باعث روی آوردن بیشتر مردم به رسانه های بدیل و خارجی شد که خود باعث افزایش آگاهی سیاسی و تحریک بیشتر احساسات انقلابی می شد.

دیگر اینکه رسانه های همسو به طور مداوم به تبلیغات منفی ضد مخالفان و فعالان انقلابی می پرداختند. آن ها تلاش می کردند با بدنام کردن مخالفان و اتهام زدن به آن ها، ایشان را از چشم مردم بیندازند و جنبش انقلابی را کم اهمیت جلوه دهند. این تبلیغات منفی نیز نه تنها باعث کاهش محبوبیت مخالفان نشد، بلکه باعث تحریک بیشتر احساسات ضدرژیم در بین مردم شد. مردم احساس می کردند رژیم با این روش ها تلاش می کند صدای مخالفان را خاموش کند و این امر خشم و انزجار آن ها از شاه را افزایش می داد.

همچنین، رسانه های طرف دار رژیم اغلب مطالبات و اعتراضات مردمی را نادیده می گرفتند و به آن ها بی اعتنایی می کردند. آن ها تلاش می کردند نشان دهند هیچ مشکلی در جامعه وجود ندارد و همه چیز تحت‌کنترل است. این نادیده‌گرفتن مطالبات مردمی به افراد احساس بی اهمیت بودن می داد و این طور القا می کرد که رژیم به خواسته های آن ها توجهی ندارد. درنتیجه، ناامیدی و خشم مردم بیشتر می شد و ایشان برای پیوستن به جنبش انقلابی مصمم تر می شدند.

رسانه های طرف دار تلاش می کردند فرهنگ و ارزش های موردحمایت پهلوی را ترویج کنند و به طور غیرمستقیم مخالفت با این ارزش ها را بی احترامی به نظام جلوه دهند. این تلاش ها هم نه تنها موفقیت آمیز نبود، بلکه باعث شد مردم بیشتر به دنبال هویت و فرهنگ خود باشند و دربرابر فرهنگ تحمیلی رژیم مقاومت کنند. این امر، خود به افزایش شکاف بین مردم و رژیم دامن می زد.

رسانه های موافق می کوشیدند با ارائه تصویری آرام و باثبات از کشور، حس امنیت کاذب ایجاد کنند و نارضایتی های عمومی را کم اهمیت بنمایانند. اما این حس امنیت کاذب به مرور زمان از بین رفت و مردم با دیدن واقعیت های جامعه احساس فریب خوردگی کردند. این احساس باعث افزایش خشم و انزجار مردم از رژیم شد و آن ها را به سمت جنبش انقلابی سوق داد.

درنهایت، رسانه های طرف دار حاکمیت اغلب بحران های اجتماعی و اقتصادی را نادیده می گرفتند یا آن ها را به شکلی تحریف شده تصویر می کردند. آن ها می کوشیدند نشان دهند که وضعیت اقتصادی خوب است و مردم در رفاه به سر می برند. این جانبداری و وارونه نمایی هم باعث می شد مردم احساس کنند که رژیم به مشکلات آن ها بی اعتناست و می خواهد پنهانشان کند. این امر هم خشم و نارضایتی مردم را شدت می بخشید.

در پایان باید گفت روابط شاه با رسانه ها در ایران یکی از عوامل مهمی بود که به انقلاب اسلامی ایران منجر شد. شاه و دولت او جزکنترل شدید رسانه ها و تبلیغات یک طرفه، معمولا به انتقادات و نظرات مخالفان در رسانه ها نیز پاسخگو نبودند. درمقابل، حکومت با اعمال فشار بر رسانه های مستقل و روزنامه نگاران منتقد مانع از فعالیت آزادانه آن ها می شد. درنتیجه، شاه آن‌گاه ـ به‌گفته خودش ـ «صدای انقلاب» را شنید که دیگر کار از کار گذشته بود.

کانون ترویج و ارتقای فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی شهید روحی بیست ساله شد

استمرار، شرط لازم و کافی موفقیت

گزارش خبری

پس از دو دهه ای که از فعالیت مستمر کانون شهید ابراهیم روحی و مؤسسه «روح دانایی» در راستای ترویج و ارتقای فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی در کشور می گذرد، همایش بیست سالگی این کانون، عصر دهم بهمن در مسجد و مجتمع فرهنگی زینبیه مشهد برگزار شد.

الگوی مردمی ترویج کتاب خوانی

در این برنامه، فرشید فلاح، معاون نهاد کتابخانه های عمومی کشور، درباره فعالیت های این مؤسسه گفت: کانون شهید روحی الگویی است برای تحقق آرمان استفاده از ظرفیت نهادهای فرهنگی و سازمان های مردم نهاد برای ترویج مطالعه و کتاب خوانی. نهاد کتابخانه های عمومی کشور در نظر دارد از ظرفیت نهادهای فرهنگی و سازمان های مردم نهاد بیش از پیش بهره برداری کند و به این منظور این کانون الگویی شایسته است.



محصول توجه به یک خلأ

درادامه، علی اکبر سبزیان، مشاور کانون شهید روحی و مدیرکل سابق کتابخانه های عمومی استان، با اشاره به اینکه علی اکبر روحی گل خطمی در پانزده سالگی این کانون را تأسیس کرد، گفت: یکی از عوامل موفقیت کانون شهید روحی ثبات قدم و پایداری در مسیر انتخابی بوده است؛ به طوری که تحولات و جریانات سیاسی، از دولت نهم تا دولت چهاردهم، هیچ یک نتوانست خللی در مسیر و اهداف آن ایجاد کند. شهید روحی در ادوار مختلف با همان روش و رویکرد پیشین به فعالیت خود ادامه داد.

او ضمن بیان اینکه یکی از دستاوردهای مهم کانون شهید روحی بهره گیری از ظرفیت مسجد، به ویژه مسجد زینبیه، بوده است، افزود: حضور امام جماعت، هیئت امنا و اعضای مسجد و نوجوانانی که امروز به جوانانی مؤثر و منشأ خیر تبدیل شده اند، همگی برکتی ناشی از حضور در مسجد بوده است.

سبزیان در سخنانش همچنین به این نکته اشاره کرد که ۶۰ درصد از مخاطبان کانون شهید روحی بانوان هستند و در این باره ادامه داد: بانوان، به عنوان اقشار وفادار در حوزه فرهنگی، نقش بسزایی در تبلیغ کتاب خوانی ایفا می کنند و استفاده از ظرفیت آن ها در این زمینه بسیار مهم است.

او در بخش دیگر صحبت هایش، در اهمیت این کانون بیان کرد: کانون شهید روحی در دورانی شکل گرفت که توجه چندانی به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، دست کم در شهر مشهد، وجود نداشت. در آن زمان، کمترکسی به موضوع کتاب و کتاب خوانی اهمیت می داد، در حالی که در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب کتاب از جایگاه بسیار والایی برخوردار است؛ تا جایی که حتی در عصر شکوفایی فناوری های نرم و هوش مصنوعی هم ایشان تأکید دارند که اصالت با کتاب است و هیچ چیز نمی تواند جانشین آن شود.

مشهد، همچنان شهر کتابخانه ها

در انتهای این نشست نیز علی اکبر روحی گل خطمی، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی «روح دانایی»، از سابقه این مجموعه و فعالیت های آن سخن گفت و بیان کرد: این مجموعه از سال ۱۳۸۳ فعالیتش در حوزه کتاب و کتاب خوانی را آغاز کرده است و امروز به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی پیشرو در این زمینه شناخته می شود. در طول این سال ها، ما موفق به کسب رتبه ها و عناوین برتر در جشنواره های مختلف شده ایم؛ ازجمله تقدیر ویژه در جشنواره کتاب خوانی ماه در سال ۱۴۰۲، عنوان تشکل برتر کتاب خوانی در سال گذشته از سوی استانداری خراسان رضوی و نیز عنوان کتابخانه مروج برتر کشور در سال ۱۳۹۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

او درباره نقش و همراهی رسانه ها در این اتفاقات گفت: رسانه ها نقش مهمی در معرفی فعالیت های ما داشته اند و ما قدردان این همراهی هستیم. همچنین تأکیدات رهبر معظم انقلاب در حوزه کتاب و کتاب خوانی همواره چراغ راه ما بوده است. ما در بیست سال فعالیت خود، نزدیک به ۷ هزار و ۳۰۰ روز را در حوزه تخصصی کتاب و کتاب خوانی سپری کرده ایم و در این مدت بیش از پانصد رویداد شهری، استانی و ملی داشته ایم. مرکز مجازی مسابقات کتاب ما به نشانی m-ketab.ir هم توانسته است نزدیک به ۱۰۰ هزار عضو از سراسر کشور جذب کند. مخاطبان اصلی ما در استان خراسان رضوی بیش از ۶۵ هزار نفر هستند.

گل خطمی درباره رویداد «مشهد، شهر کتاب خوان ها» نیز که این کانون امسال سومین دوره آن را برگزار می کند، توضیح داد: این رویداد برای سومین سال پیاپی در شهر مشهد برگزار می شود و هدف اصلی آن تربیت مربیان و تسهیلگران کتاب خوانی نوجوان است. امسال ۱۰۷ باشگاه کتاب خوانی در محلات مشهد فعال هستند و نزدیک به صد مربی و تسهیلگر در دوره های آموزشی ما شرکت کرده اند. این مربیان، پس از گذراندن دوره های چهل ساعته، باشگاه های کتاب خوانی را در ۱۷۰ محله مشهد راه اندازی کرده اند. این باشگاه ها به عنوان پل ارتباطی بین مدرسه، مسجد، خانواده و کتابخانه عمومی عمل می کنند و نقش مهمی در ارتقای فرهنگ مطالعه در بین نوجوانان دارند.

در این برنامه، همچنین از کتاب «بیست سالگی ما» رونمایی شد. این کتاب شامل ۳۲ روایت از مدیران و مسئولان استانی و کشوری است که در طول بیست سال فعالیت مجموعه شهید روحی با آن همکاری داشته اند. پایان بخش این گردهمایی نیز قدردانی از شصت نفر فعال و مروج کتاب خوانی در شهر و استان و برخی مسئولان بود.